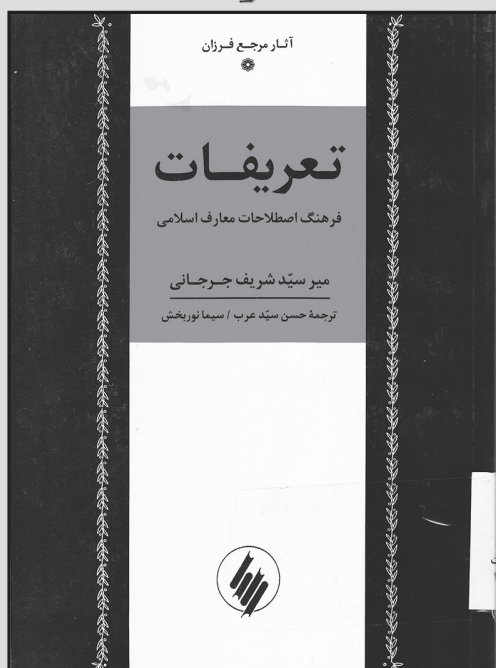


نقدی بر ترجمه کتاب تعريفات جرجانی

محمدانصار*



مقدمه

التعريفات از کتاب‌های مهم برای آشنایی با تعريف برخی از اصطلاحات علوم دینی و فرقه‌های اسلامی است که به زبان عربی و به قلم میرسیدشريف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ ق) نوشته شده است. این کتاب در سال ۱۳۷۷، به کوشش حسن سیدعرب و سيما نوربخش به فارسی ترجمه شد و توسط نشر فرزاد در قطع وزیری، ۱۹۷ صفحه و با تیراژ ۲۲۰۰ نسخه به بازار آمد. بنابر اطلاعات سامانه کتابخانه ملی ایران، قبلاً این اثر، در سال ۱۳۶۰ به کوشش عمران علیزاده (متوفای سال ۱۳۸۸) ترجمه شده بود. لذا نشر فرزاد، کار جدیدی انجام نداده است. متأسفانه مترجمین، در مقدمه کتابشان، به ترجمه آقای علیزاده، اشاره‌ای نکرده‌اند، در حالی که اشاره به پیشینه پژوهش، امری ضروری است. زیرا که خوانندگان از تکراری بودن یا نوآوری اثر، با خبر می‌شوند.

*کارشناس ارشد فقه و
مبانی حقوق اسلامی

ترجمه نشر فرزانه، از روی چاپ بیروت (سال ۱۴۰۵ ق) است. اما به همین چاپ بسنده نشده، زیرا به گفته مترجمین، این چاپ، اغلاط تایپی فراوانی دارد. هم‌چنین توضیحات جرجانی در ذیل برخی اصطلاح‌ها، ناتمام مانده است. لذا آن‌ها نسخه‌های چاپی تعریفات را جمع‌آوری و پس از رفع نقایص، ترجمه را آغاز کردند. متأسفانه مترجمین، از نسخه‌های دیگری که بهره گرفته‌اند، نامی نبرده‌اند و به تفاوت‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند. اگر نسخه‌های متعدد را با هم مقایسه کنید، تفاوت‌هایی را خواهید دید در نتیجه، معانی مختلفی از هر اصطلاح به‌دست خواهد آمد، حتی برخی از اصطلاحات در نسخه‌ای هست و در نسخه‌ای دیگر نیست. مثلاً اصطلاح (مجاهره) در چاپ بیروت هست، ولی در چاپ مصر نیست! به هر حال، ترجمه کتاب از روی نسخه‌های متعدد، بدون ذکر نسخه‌ها، کار غیر حرفه‌ای است! خوانندگان از کجا بفهمند که ترجمه فلان خط یا پارگراف، از روی کدام نسخه بوده است؟ اگر به نسخه‌های دیگری مراجعه کنیم آن گاه ترجمه عبارت چه خواهد شد؟

بنابر مقدمه کتاب، این اثر با راهنمایی آقایان بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی ترجمه شد. ضمناً آقای مسعود انصاری (احتمالاً مترجم قرآن کریم) متن ترجمه شده را با اصل آن تطبیق داده و آن را ویرایش کرده است. از هدایت و نظارت آن‌ها انتظار می‌رفت اثری نفیس از کار درآید. زیرا آن‌ها از چهره‌های بزرگ علمی ایران هستند. اما با نگاهی گذرا می‌بینیم که این طور نیست.

ما در این‌جا ابتدا به برخی از مشکلات کتاب و سپس به ایرادات ترجمه خواهیم پرداخت. ناگفته نماند که ملاک ما در این‌جا، همان چاپ فوق‌الذکر است. ضمناً اینجانب، کتاب ترجمه آقای علیزاده را ندیده‌ام، قطعاً اگر می‌دیدم می‌توانستم آن را با ترجمه نشر فرزانه، تطبیق بدهم و مقاله مفصل‌تری بنویسم.

۱- کلیات

۱- جرجانی مقابل نام صحابه و امام علی، به ترتیب عبارت (رضی الله عنهم) و (رضی الله عنه) را می‌گذارد. اما مترجمین عبارت مقابل نام صحابه را، حذف کردند و مقابل نام امام علی، علامت (ع) را قرار داده‌اند! (برای نمونه نگاه کنید: ص ۱۳۷) هم‌چنین او مقابل نام پیامبرانی مانند حضرت یوسف (ص ۱۲۱)، نوح (ص ۱۴۹) شیت (ص ۵۵) و امام جعفر صادق (ص ۱۶) چیزی نمی‌آورد، اما مترجمین مقابل آن، علامت (ع) را قرار داده‌اند. این کار مترجمین، بی‌احترامی به عقاید نویسنده است!

۲- روشی را که جرجانی برای چینش اصطلاح‌ها یا اصطلاحات در نظر گرفته بود، با ترجمه متفاوت است. مترجمین به این مطلب اشاره‌ای نکرده‌اند. به نظر می‌رسد که مترجمین چینش اصطلاحات را جهت سهولت استفاده خوانندگان، تغییر داده‌اند، که البته کار خوبی کرده‌اند، اما یادآوری این نکته در مقدمه، ضروری بود.

۳- این ترجمه اغلاط تایپی دارد. برخی از کلماتی که اشتباه نوشته شده، به شرح ذیل

می باشد: الشمیسه (ص ۹۱) - وجود (ص ۱۰۶) - ضمان الغضب (ص ۱۰۲) - محافله (ص ۱۵۲) - المحزر (ص ۱۵۳) - للتبغوا (ص ۱۴۴) صحیح آن‌ها به ترتیب چنین است: الشمسیه - وجود - ضمان الغضب - محافله - المحرز - للتبغوا

در اصطلاح فرقه کاملیه (ص ۱۳۷)، ابی کامل، صحیح است نه ابن کامل. مؤسس فرقه عجارده (ص ۱۰۹) عبدالله بن عجرد صحیح است نه عبدالکریم. در ذیل اصطلاح الله (ص ۲۱) اصطلاح الاسماء الحسنی می‌بایست با الف و لام نوشته شود نه بدون آن.

۴- جرجانی مکرراً نام نویسندگان را می‌آورد، ولی به نام کتاب آن‌ها اشاره‌ای نکرده است. مترجمین برای بهره‌گیری بیشتر خوانندگان، می‌توانستند نام و شماره صفحات کتاب‌ها را، در پاورقی بیاورند. یعنی در این موارد بهتر بود مستندسازی شود. مثلاً ذیل اصطلاح امر به جلد دوم صفحه ۴۹۸ کتاب شرح مختصرالمنتهی الاصولی (اثر ابن حاجب) ارجاع داده شود. البته در پایان کتاب، قریب به ۸۰ منبع آمده است، اما گفته نشده که در کجا و از کدام صفحه آن، بهره گرفته شده است! ضمناً کتاب فرهنگ فرق اسلامی نوشته دکتر محمدجواد مشکور، می‌توانست راهنمای کوچکی برای مترجمین باشد که نامش در فهرست منابع دیده نشد.

۵- متأسفانه تمام اشعاری که جرجانی در شرح برخی از اصطلاحات آورده و جزء متن اصلی کتاب بوده، ترجمه نشده است در حالی که ترجمه آن‌ها، باعث درک بهتر خواننده از اصطلاح می‌شد. برای مثال می‌توان به صفحات ذیل اشاره کرد: ۲۶، ۶۰، ۱۰، ۷۹، ۱۰۰، ۱۶۵، ۸۹، ۹۹، ۱۸، ۱۶۹ و ...

۵- در ترجمه، آوردن الف و لام در اول اصطلاحات، بی‌فایده است. اعراب‌گذاری اصطلاحات و نوشتن معادل انگلیسی آن‌ها، آوردن فهرست اصطلاحات در ابتدای کتاب و فهرست‌های فنی در پایان آن، کمک خوبی برای خوانندگان بود که جای همه‌ی آن‌ها خالی است.

۶- در ابتدای ترجمه فرقه‌ها، این عبارت آمده است: (از فرق اسلامی). آن در متن اصلی نویسنده نیست. این عبارت اضافی است، زیرا با خواندن شرح اصطلاح، به راحتی می‌توان فهمید که آن، نام یکی از فرق اسلامی است. ضمناً فرقه غیراسلامی هم نداریم!

۲- نقد ترجمه

بر ترجمه کتاب التعریفات، نقدهای زیادی می‌توان نوشت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- درک مقصود گوینده

مهم‌ترین ویژگی یک مترجم، تسلط بر موضوع بحث است. اما مترجمین، در برخی موارد، معنا و مفهوم جملات را نفهمیده‌اند. لذا عبارات پیچیده‌ای را سرهم کرده‌اند. مانند آن‌چه که در ذیل اصطلاح اصول فقه (ص ۱۷) یا عاقله (ص ۱۰۹) می‌آید و یا این که ترجمه اصطلاح شیطننت (ص ۹۶)، دقیقاً مطابق با عبارت عربی است، فقط حرف جر (ل) را ترجمه شده است. لذا ترجمه آن، نامفهوم است.

ب- ترجمه واژگان

مترجمین در ترجمه واژگان دقت لازم را نداشتند. مثلاً در ذیل اصطلاح شیعه، فعل قالوا (گفتند) را اعتقدوا (معتقدند) ترجمه کرده‌اند، لذا معنا و مفهوم جمله، تغییر کرده است. در اصطلاح سلم (ص ۸۹) به جای واژه قیمت، بهتر بود رأس المال (مسلم به) نوشته شود نه سرمایه، زیرا عبارات آغشته شده است. در اصطلاح فاسق (ص ۱۲۲)، واژه عمل به اشتباه، علم ترجمه شده است. در ذیل اصطلاح الاملاک المرسله (ص ۲۳) و لعان (ص ۱۴۴)، واژه‌های شاهدان و شهادت، به صورت مفرد ترجمه شده‌اند، در حالی که آن‌ها به ترتیب، مثنی و جمع هستند.

ذیل فرقه میمونیه (ص ۱۷۸) عبارت تجویز نکاح، می‌بایست به اجازه ازدواج دادن، ترجمه شود، نه ازدواج کردن. جرجانی در ذیل اصطلاح شهید (ص ۹۵) می‌گوید:... لم یجب بقتله مال و لم یرث. در نسخه‌های چاپی به جای یرث، واژه یرث نوشته شده است که به نظر می‌رسد اشتباه بوده و به معنی این است که آن‌ها ارثی باقی نمی‌گذارند. اما مترجمین این فعل را این‌گونه ترجمه کرده‌اند:... در پی چیزی از منافع زندگی هم نباشد.

اصطلاح فقهی قسم (ص ۱۳۱) این‌گونه ترجمه شده است: (حق تساوی همخوابگی زن یا زنان...) در متن عربی واژه (نساء) آمده است که به معنی زنان است، لذا به‌کار بردن واژه زن بی‌معنی است، زیرا تساوی در جایی است که چند نفر باشند.

ج- ویرایش ادبی

پس از ترجمه، آخرین کار مترجم این است که متن را ویرایش کند. عبارت مترجمین در برخی موارد، به دلیل عدم ویرایش، نامفهوم است. به مثال‌های ذیل دقت کنید:

الف- در صفحه ۸۳ چنین نوشته شده است: به مرهون اطلاق می‌شود و از حیث تسمیه برای مفعول... صحیح آن چنین است: به آن، مرهون اطلاق می‌شود، از این جهت که تسمیه برای مفعول...

ب- در صفحه ۱۱۰ چنین نوشته شده است: زوال نکاح متأكد یا نکاح شبهه... صحیح آن چنین است زوال نکاح، اعم از اینکه متأكد شده یا شبهه‌دار باشد...

ج- در ذیل اصطلاح فضولی (ص ۱۲۵) بهتر است این‌گونه نوشته شود: کسی که هنگام بستن عقد، ولی، اصیل یا وکیل نیست.

د- در ذیل اصطلاح معصیت (ص ۱۶۵) به جای عبارت (مخالفت از روی قصد...) بهتر بود عبارت مخالفت عامدانه نوشته شود.

د- تحریف سخن

در ترجمه می‌بایست سخن نویسنده بدون کم و زیاد شدن، به خوانندگان انتقال یابد. مثلاً در ترجمه فرقه خوارج (ص ۷۴) چنین گفته شده است: آن‌ها کسانی هستند که بدون اذن حاکم، یک دهم از حساب غله را بگیرند. عبارت (از حساب غله) در متن عربی نیست و جزء اضافات مترجمین است، بدون این‌که آن را در داخل قلاب قرار دهند. در ترجمه

اصطلاح نذر، مقابل کلمه مباح می‌بایست در داخل پرانتز عبارت (مستحب) نیز قرار داده شود، زیرا منظور از فعل مباح اعم از مباح و مستحب است. مورد دیگر این که، جرجانی جهاد (ص ۵۶) را این گونه تعریف کرده است: «هو الدعاء الی دین الحق (خواندن به سوی دین حق)». این تعریف معنا را می‌رساند و نیازی به توضیح ندارد، اما مترجمین در داخل پرانتز چنین نوشته‌اند: (مبارزه مسلمین با کفار و اجانب به منظور) جرجانی در ذیل اصطلاح اسم اعظم (ص ۱۵) و طاعت (ص ۱۰۴) می‌گوید: عندنا (نزد ما) مترجمین در داخل پرانتز به ترتیب چنین نوشته‌اند: (اهل سنت و جماعت)، (احناف). در حالی که این نظرات، ربطی به اهل سنت و حنفیان ندارد. یک سؤال این جا مطرح می‌شود و آن این که مترجمین بر اساس کدام دلیل و سند، جرجانی را حنفی مذهب دانسته‌اند؟!

متأسفانه دو سطر از گفته‌های جرجانی در ذیل اصطلاح اسلام (ص ۱۴)، ترجمه نشده است. از طرفی دیگر در اصطلاح بُدلا (ص ۲۸) و منصوریه (ص ۱۷۳) عبارات بلندی نوشته شده که این عبارات در متن عربی نیست. شاید خطای چاپی باشد!

هـ- سایر موارد

۱- جرجانی اصطلاح الامر (ص ۲۳) را این گونه تعریف می‌کند: «هو قول القائل لمن دونه افعَل». ترجمه آن چنین می‌شود: (یعنی به پایین‌تر از خود، دستور انجام کاری را بدهد). متأسفانه در ترجمه آن چنین نوشته‌اند: «طلب قائل از غیر خود، برای انجام کاری». این ترجمه بی‌ربط بوده و با متن همخوانی ندارد، زیرا مسلم است که انسان از خود چیزی را طلب نمی‌کند، بلکه از غیر خود، چیزی را می‌خواهد.

۲- عبارت جرجانی در ذیل اصطلاح بدعت (ص ۲۸)، این گونه ترجمه شده است: سبب تسمیه آن این است که قائل آن پیش از مبتدع، بنای عملی را در دین نهاده است. ترجمه صحیح چنین است: ... قائل آن بدون (اجازه) کسی که پیشواست، ابداع کند.

۳- در اصطلاح تلحین (ص ۴۵)، جای دلیل و حکم جابه‌جا شده و این گونه نوشته شده است: ... در شرع، بدعت محسوب شده و مکروه است. ترجمه صحیح این عبارت چنین است: ... مکروه بوده، زیرا که بدعت است.

۴- اصطلاح اهل الحق (ص ۲۵) این گونه ترجمه شده است: «قومی که خود را با حجج و براهین منسوب به حق می‌کنند، یعنی اهل سنت و جماعت». ترجمه صحیح چنین است: (قومی که خودشان را به آن چه که نزد پروردگارشان حق است با دلیل و برهان ملحق می‌کنند، مانند اهل سنت و جماعت).

۵- در ذیل ترجمه اصطلاح مندوب (ص ۱۷۳) چنین نوشته است: (چیزی که توسط آن اظهار درد شود توسط واو و یاء). ترجمه صحیح چنین است: (در علم نحو، چیزی که برای او تأسف بخورند و آن را با حرف واو یا یاء اداء کنند، مندوب می‌گویند).

۱۲- جرجانی درباره زنا می‌نویسد: «الْوَطْ فِي قُبُلِ خَالٍ عَنِ مَلِكٍ وَ شَبْهَةٍ». ترجمه‌ای که ارائه

شده، با متن عربی کاملاً ناسازگار است. به ترجمه دقت کنید: مواقعه نامشروع مرد یا زنی که ملک او نبوده و وطنی به شبهه نباشد، و عمداً صورت گرفته باشد. ترجمه صحیح چنین است: دخول در جلو با کسی که ملک او نبوده و وطنی به شبهه نباشد.

۶- مترجمین عبارت البنات للبنین (ص ۱۷۸) را به معنای دختران پسران، دختران دختران و دختران فرزندان برادر و برادران گرفته‌اند. این ترجمه، کاملاً اشتباه است.

۷- ترجمه صحیح اصطلاح مسامحه (ص ۱۵۸) چنین است: ترک واجبی که انسان را منزله می‌کند، اما مترجمین چنین نوشته‌اند: ترک واجب تنزیهی.

۸- در ترجمه عبارت (هم الذین جاء فی حقهم...) (فرقه ملامیه/ ص ۱۷۱) گفته شده اینان کسانی‌اند که حق درباره آن‌ها فرموده... این ترجمه به مخاطب می‌فهماند که خدای متعال در حق آن‌ها سخنی گفته است. احتمالاً مترجمین عبارت بعدی را (اولیایی تحت قبایی...) حدیث دانسته‌اند لذا این‌گونه ترجمه کرده‌اند، اما باید بگوییم که این سخن در کتب روایی شیعه و سنی نیست، ولی در کتب عرفانی دیده می‌شود. لذا آن عبارت این‌گونه ترجمه می‌شود: «در حقشان چنین آورده‌اند». ضمناً واژه قباب (خیمه) ترجمه نشده است.

۹- متأسفانه در ترجمه ذیل اصطلاح نکاح چیزهایی آمده که اصلاً با متن عربی سازگاری ندارد، شاید مترجمین نتوانستند متن را ترجمه کنند. این خیانت به نویسنده است. ترجمه صحیح این اصطلاح چنین است: ... نکاح عقدی است که موضوع آن، تملیک بضع است قید اخیر، او را از بیع و امثال آن جدا می‌کند زیرا مقصود در آن مالک شدن انسان است و مالکیت منفعت به طور ضمنی در آن داخل می‌شود. نکاح السر یعنی ازدواجی که مخفی بماند (بدون این‌که دیگران را برای جشن باخبر کنند).